

الذهب و معادالجواهر، چاپ محمد محبی‌الدین عبدالحمید، مصر ۱۳۸۴-۱۳۸۵/۱۳۶۶-۱۹۶۵؛ محمد بن محمد مفید، کتاب الامالی، چاپ حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم ۱۴۰۳؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر بر رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷؛ یاقوت حموی، معجم الادباء، بیروت [بی‌تا]؛ همو، معجم البلدان، چاپ فردیناند ووستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۳، چاپ انست تهران ۱۹۶۵.

/ محمد جواد شبیری /

برقی، ابو عبدالله محمد بن خالد بن عبدالرحمان، از راویان و مؤلفان امامی مذهب قرن دوم و اوایل قرن سوم. نامش در کتب اربعه حدیثی شیعه، در سلسله روایت بیش از پانصد حدیث، آمده است. ابن ندیم (ص ۲۷۶) کنیه ابوالحسن را نیز برای او ذکر کرده است. بعد از اینکه محمد بن علی، جدّ اعلای برقی از مردم کوفه، به دلیل شرکت در قیام زید بن علی بن الحسین به دستور یوسف بن عمر ثقفی حاکم کوفه، دستگیر و کشته شد، عبدالرحمان همراه فرزند خردسالش از کوفه گریخت و روانه قم شد (نجاشی، ص ۷۶؛ یاقوت حموی، الادباء، ج ۴، ص ۱۳۲). وی در رستاق برق‌رود (محل اقامت برخی از طوایف عرب) سکونت گزید (درباره تعریف رستاق - قمی، ص ۵۷). این رستاق در کنار رستاق جابلق و تیمره (که بعداً به گمره تغییر نام داده - فرهادی، ۱۳۶۳ ش، ص ۶۶۰، ۱۳۶۵ ش، ص ۵۸۴، ۵۸۸) و در نزدیکی قم قرار داشته است. قمی (ص ۵۶-۸۶) نام رستاقهای قم را، به نقل از احمد بن ابی عبدالله برقی و دیگران، ثبت کرده ولی برق‌رود در شمار آنها نیامده است. یعقوبی (ص ۲۷۳) برق‌رود و جابلق را در همسایگی کرج^۵ ابو ذلف می‌داند. گفته می‌شود که برق‌رود در ۱۸۹ به دستور هارون الرشید از مضافات قم شد. نجاشی (ص ۳۳۵) نام آن را بَرَقه‌رود (در برخی نسخه‌ها برق‌رود)، قریه‌ای در حومه قم، نوشته که خالی از مسامحه نیست (نیز در این باره - یاقوت، البلدان، ج ۱، ص ۵۷۵).

محمد بن خالد در برق‌رود زاده شد و شهرت او به برقی از همین روست. ظاهراً وی نخستین شخصیت نامبردار علمی این خاندان است، ولی فرزندش احمد بیش از پدر شهرت دارد (- برقی^۵، ابوجعفر احمد بن محمد). گاهی برای تشخیص این دو از یکدیگر، پدر را «کبیر» و پسر را «صغیر» خوانده‌اند (- آقابزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۹۹-۱۰۰؛ مدرس تبریزی، ج ۱، ص ۲۵۱). برخی دیگر از شخصیت‌های علمی این خاندان: حسن بن خالد، برادر محمد که ثقة بود و چند کتاب تألیف کرد (نجاشی، ص ۶۱؛ طوسی، ۱۳۵۱ ش، ص ۴۹، ۱۵۸؛ تستری، ج ۳، ص ۱۵۵)؛ علی بن محمد بندار، نوه دختری احمد برقی، که

کرده است (تستری، همانجا). غضائری (ص ۱۸۹) به نقل از حسن بن حمزه علوی، مطلبی رجالی از برقی نقل کرده که آشنایی وی را با علم رجال می‌رساند. یاقوت (معجم الادباء، ج ۳، ص ۱۰۲-۱۰۳) ذیل عنوان احمد بن عبدالله، به نقل از «تاریخ اصفهان» حمزه اصفهانی، وی را از رستاق برق‌رود و از راویان لغت و شعر در قم شمرده و از توطّن برادرزاده وی ابو عبدالله برقی در اصفهان سخن گفته است؛ ولی در معجم البلدان (ج ۱، ص ۵۷۵) ابو عبدالله برقی را خواهرزاده احمد بن عبدالله برقی دانسته است. معلوم نیست که این دو نفر کیستند، تنها می‌توان گفت که از خویشاوندان احمد برقی بوده‌اند؛ هرچند محتمل است که احمد بن عبدالله تصحیف احمد بن ابی عبدالله بوده و مراد همان برقی معروف باشد. یکی دیگر از علمای خاندان برقی علی بن احمد بن عبدالله بن احمد بن ابی عبدالله برقی است. وی استاد صدوق بوده و به واسطه پدرش و علی بن محمد ماجیلویه از احمد بن ابی عبدالله برقی نقل حدیث می‌کند (برای نمونه - ابن بابویه، ۱۳۵۷ ش، ص ۹۹، ۱۰۳؛ همو، ۱۳۱۷، ص ۱۵۲، ۲۴۰).

منابع: ابن بابویه، الترحیم، چاپ هاشم حسینی طهرانی، قم [تاریخ مقدمه ۱۳۵۷ ش]؛ همو، عیون اخبار الرضا، چاپ عبدالغفار نجم‌الدوله، تهران ۱۳۱۷؛ همو، کمال‌الدین، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۳ ش؛ همو، من لایحضره الفقیه، چاپ حسن موسوی خراسانی، بیروت ۱۳۸۱/۱۴۰۱؛ ابن‌دادود حلی، کتاب الرجال، چاپ محمدصادق آل‌بحرالعلوم، نجف ۱۳۹۲/۱۹۷۲، چاپ انست قم [بی‌تا]؛ ابن‌شهر آشوب، معالم العلماء، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ ابن‌ندیم، کتاب الفهرست، چاپ رضا تجدد، تهران ۱۳۵۰ ش؛ احمد بن محمد برقی، رجال، چاپ محدث ارموی، تهران ۱۳۴۲ ش؛ همو، کتاب المحاسن، چاپ محدث ارموی، قم [تاریخ مقدمه ۱۳۳۱ ش]؛ محمد تقی تستری، قاموس الرجال، ج ۱، قم ۱۴۱۰؛ ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳، چاپ انست قم [بی‌تا]؛ محمد جواد شبیری، «ارتباط رجال شیخ و رجال برقی»، در مجموعه آثار سومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه‌السلام، مشهد ۱۳۷۰ ش؛ محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، نجف ۱۳۸۰؛ همو، الفهرست، چاپ محمد صادق آل‌بحرالعلوم، نجف ۱۳۸۰؛ همو، کتاب الغیبة، تهران [تاریخ مقدمه ۱۳۹۸]؛ حسن بن یوسف علامه حلی، رجال العلامة الحلی، نجف ۱۳۸۱/۱۹۶۱، چاپ انست قم ۱۴۰۲؛ حسین بن عبدالله غضائری، تکمله رساله ابوغالب زراری، قم ۱۴۱۱؛ حسن بن محمد قمی، کتاب تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، چاپ جلال‌الدین طهرانی، تهران ۱۳۶۱ ش؛ عنایة الله نهبانی، معجم الرجال، چاپ ضیاء‌الدین علامه اصفهانی، اصفهان ۱۳۸۴-۱۳۸۷، چاپ انست قم [بی‌تا]؛ محمد بن عمر کفی، اختیار معرفة الرجال [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱؛ علی بن حسین مسعودی، مروج

و زمان سکونت خاندان برقی در قم اطلاعی در دست نیست، اما قرائن نشان می‌دهد که برقی کبیر و نسل پس از او در قم می‌زیسته‌اند. از مسافرتها ی برقی و تحصیلات وی در حدیث نیز گزارشی ثبت نشده است.

شیخ طوسی (۱۳۸۱، ص ۳۸۶، ۴۰۴)، برقی را در شمار اصحاب امام رضا علیه‌السلام (متوفی ۲۰۳) و امام جواد علیه‌السلام (متوفی ۲۲۰) نام برده و در هردو جا تصریح کرده که وی از اصحاب امام کاظم علیه‌السلام نیز بوده است (نیز - آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۱۰۰). این قول، احتمال وقوع تحریف پیشین (منصور بن خالد به محمد بن خالد) را تقویت می‌کند. با اینهمه وی جز دو روایت که از امام جواد علیه‌السلام نقل کرده، به رغم کثرت روایات، از دو امام دیگر شخصاً روایت نکرده است (تستری، ج ۸، ص ۱۶۵؛ خوئی، همانجا). یک روایت نیز به نقل از او به امام صادق علیه‌السلام نسبت می‌دهند (کلینی، ج ۸، ص ۱۸۳؛ خوئی، ج ۱۶، ص ۵۸) که در آن یا واسطه‌ای حذف شده یا اشتباه دیگری در نقل رخ داده است. با توجه به اینکه طوسی او را از اصحاب امام هادی علیه‌السلام ذکر نکرده، ظاهراً برقی روزگار آن حضرت را درک نکرده یا در سالهای آغاز امامت ایشان (سال ۲۲۰) در گذشته بوده است. وی از مشاهیر حدیث، از جمله ابن ابی عمیر، یونس بن عبدالرحمان، فضالة بن ایوب، سعد بن سعد اشعری، محمد بن سنان و حماد بن عیسی روایت کرده و شماری از زوات، مثل ابراهیم بن هاشم قمی، احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن محمد برقی و حسین بن سعید اهوازی از وی اخذ حدیث کرده‌اند (بحر العلوم، ج ۳، ص ۲۶۹-۲۷۰؛ خوئی، ج ۱۶، ص ۶۳-۶۵، ۳۵۴-۳۶۹، ج ۲۱، ص ۲۱۸-۲۲۰؛ نسوری، ج ۳، ص ۵۷۴؛ کشی، ص ۵۴۶). نجاشی (ص ۳۳۵) برقی را علاوه بر اشتغال به حدیث، آگاه از تاریخ و دانشهای عرب معرفی می‌کند و کتابهایی در موضوعهای تاریخی و کلامی و ادبی و قرآنی به وی نسبت می‌دهد. ابن ندیم (ص ۲۷۷) علاوه بر چند کتاب حدیثی و رجالی، کتابی به نام البلدان (آقا بزرگ طهرانی، ج ۳، ص ۱۴۵: البلدان و المساحة) را از تألیفات برقی و کتابی پر حجم‌تر را به همین نام از فرزندش احمد می‌داند. کتاب اخیر از مآخذ تاریخ قم (به عنوان بنیان در نسخه چاپی، ص ۲۰) بوده و همان است که با عناوین التبیان و التبیان فی احوال البلدان و المساحة نیز یاد می‌شود (مسعودی، ج ۱، ص ۱۳). ظاهراً هیچیک از کتابهای برقی کبیر در دست نیست و نسبت داشتن قطعی محاسن به برقی صغیر این گمان را که ابن ندیم - که در نسبت دادن کتابهایی از جمله محاسن به پدر، منحصر به فرد است - دچار اشتباه شده تقویت می‌کند (درباره آثار برقی، علاوه بر منابع مزبور - آقا بزرگ طهرانی، ج ۳، ص ۳۱۵ و ج ۱۵،

محدثی فقه و از مشایخ کلینی در کافی بوده است (خوئی، ج ۱۱، ص ۲۴۱)؛ علی بن احمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن خالد از مشایخ صدوق (همان، ج ۱۱، ص ۲۵۲، به نقل از مشیخه فقیه). نجاشی (ص ۳۳۵) نحوه برادر برقی، علی بن علاء بن فضل را نیز که فقیه بوده، نام برده است. در نسخه چاپی رجال شیخ طوسی (ص ۳۶۰) شخصی به نام «منصور بن خالد البرقی» در شمار اصحاب امام کاظم علیه‌السلام بدون ذکر هیچ مشخصه دیگر، معرفی شده است که از نظر زمانی می‌توان او را برادر محمد بن خالد برقی دانست؛ ولی تستری (ج ۹، ص ۱۲۸) منکر وجود این نام در رجال طوسی شده است. قهپایی نیز، که اسامی مذکور در کتب پنجگانه رجالی را گرد آورده، این نام را ذکر نکرده است (ج ۵، ص ۲۰۵، ۲۰۶؛ ج ۷، ص ۱۱۷). در نسخه‌های معتبر خطی موجود نیز این اسم دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد که این نام در اصل «محمد بن خالد البرقی» بوده و در برخی نسخه‌ها تحریف شده است.

محمد بن خالد برقی، بنا بر گفته نجاشی (ص ۳۳۵)، با ابوموسی اشعری و به گفته ابن غضائری (قهپایی، ج ۵، ص ۲۰۵) با جریر (یا حریر) بن عبدالله پیوند ولاء داشته است. تستری (ج ۸، ص ۱۶۴) قول نجاشی را درست‌تر می‌داند و احتمال می‌دهد که «محمد بن خالد الاشعری» مذکور در رجال نجاشی (ص ۳۴۳) مؤلف کتاب نوادر، همین برقی باشد که شهرت اشعری را به دلیل ولاء به دست آورده است. به نوشته نجاشی (همانجا)، نوادر را احمد پسر همین برقی روایت کرده است. او در برشماری آثار محمد بن خالد برقی کتابی به این نام به او نسبت نمی‌دهد (ص ۳۳۵)، اما طوسی (۱۳۵۱ ش، ص ۱۴۸، ش ۶۲۸) فقط کتابی با این نام را از آن برقی می‌داند که راوی آن نیز احمد پسر اوست. بعلاوه طوسی کسی به نام محمد بن خالد اشعری را نام نبرده است. براین اساس، به نظر می‌رسد که احتمال شوشتری درست باشد. نجاشی درباره ابوموسی اشعری هیچ توضیحی نمی‌دهد. حال اگر ابوموسی اشعری همان تابعی معروف و حاکم بصره در دوران خلافت عثمان باشد، باید پیوند ولاء را پدران برقی برقرار کرده باشند، نه خود او. البته به نظر خوئی (ج ۱۶، ص ۶۷) ابوموسی اشعری مذکور در اینجا غیر از آن شخص معروف است.

به گمان قوی، در پی انتقال اشعریان از کوفه به قم (در این باره - قمی، ص ۲۴۰-۲۶۵) جد برقی قم را برای سکونت خود برگزیده و این شهر به پایگاهی برای پیروان تشیع تبدیل شده است؛ بخصوص که در چند حدیث، که برقی نیز برخی از آنها را با واسطه از امامان شیعه روایت کرده، از آینده درخشان قم و امنیت و رشد علمی آن، همزمان با کم رونق شدن علم در کوفه، سخن گفته شده است (قمی، ص ۹۰-۱۰۰). از کیفیت

ص ۳۶۲؛ مدرس تبریزی، ج ۱، ص ۲۵۱.

معجم البلدان، چاپ ووستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۳، چاپ انت تهران ۱۹۶۵؛ احمد بن اسحاق یعقوبی، کتاب البلدان، چاپ دخویه، لیدن ۱۹۶۷.
/ حسن طارمی /

برقی، اسماعیل بن احمد بن زیاد الله الشجیبی، ادیب، شاعر و مؤلف عربی زبان قرن پنجم. اهل قیروان بود و در المهدیه زندگی می‌کرد. کنیه‌اش ابوطاهر و شهرتش برقی بود (ابن ابار، ج ۱، ص ۱۵۹). اشتهاش به برقی به سبب نسبتش به منطقه برفه افریقبه است (کحاله، ج ۲، ص ۲۵۹، پانویس). برقی حافظه‌ای قوی و خطی خوش داشت و نیکو شعر می‌سرود. پس از ۴۰۰ به اندلس سفر کرد (ابن ابار، همانجا). او در شرح المختار من شعر بشار (ص ۱۴) می‌نویسد که در ۴۰۶ در شهر مالقه اندلس بوده است. سپس به مصر رفته و به گفته ابن ابار (همانجا) در ۴۱۵ در آنجا اقامت داشته است. سیوطی (ج ۱، ص ۴۴۳)، به نقل از یسلفی، می‌گوید که برقی نزد ابویعقوب بن خرزاف نجیرمی و دیگر استادان مصری تعلیم یافته است. وی همچنین از ابواسحاق حُصری بهره برده و ادب الکاتب (در مستن ابن ابار: ادب الکاتب) ابن قتیبه را از ابویعقوب نجیرمی روایت کرده است (ابن ابار، همانجا). برقی در راه سفر به مکه، در اسکندریه با ابومروان طبنی دیدار کرد و در ۴۳۸ مراسم حج را به جای آورد (همانجا). وی در حدود ۴۴۵ درگذشت (زرکلی، ج ۱، ص ۳۰۹).

از برقی این آثار به جای مانده است: شرح المختار من شعر بشار، اثری بدیع که شارح در آن مآخذ شعر بشار را ذکر و از تأثیر شعر او بر شاعران پس از خود یاد کرده است. برقی انتساب برخی ابیات را به بشار مردود دانسته و شاعر اصلی آنها را شناسانده است (ص ۴۹). این کتاب نوعی نقادی شعر بشار و بیان نقاط ضعف و قوت اشعار اوست. نسخه‌ای از این شرح در فهرست کتابخانه اصفیه معرفی شده و نسخه دیگری از آن در حیدرآباد موجود است (بروکلمان، ج ۲، ص ۱۶-۱۷). این شرح در ۱۳۱۴ ش/ ۱۹۳۵ در علیگره هندوستان به چاپ رسیده است؛ الرائی بأزهار الحدائق که مجموعه‌ای است در ادب و اخبار؛ شرح ابیات فی الظافات احمد بن عمار المقری که یک نسخه خطی از آن، با تاریخ ۶۶۱، در کتابخانه رباط موجود است (زرکلی، همانجا).

منابع: ابن ابار، التکملة لکتاب الصلة، چاپ عبدالسلام هراش، بیروت ۱۹۹۵؛ اسماعیل بن احمد برقی، شرح المختار من شعر بشار، چاپ محمد بدرالدین علوی، علیگره ۱۹۳۵؛ کارل بروکلمان، تاریخ الادب العربی، ج ۲، نقله الى العربية عبدالحلیم نجار، قاهره ۱۹۶۸؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت ۱۹۸۶؛ عبدالرحمان بن ابی‌بکر سیوطی، بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم،

وثائق برقی را بیشتر عالمان رجالی همچون شیخ طوسی (۱۳۸۰، ص ۳۸۶)، علامه حلی (ص ۱۳۹، ش ۱۴)، سید بحر العلوم (ج ۳، ص ۲۷۰) صریحاً و برخی همچون شیخ صدوق (مماقانی، ج ۳، ص ۱۱۳) و ابن قولویه (مخوئی، ج ۱۶، ص ۶۶) به طور ضمنی تأیید کرده‌اند؛ فقط ابن غضائری (مقبای، ج ۵، ص ۲۰۵) و نجاشی (همانجا) او را ضعیف الحدیث خوانده‌اند، که این هم ناشی از روش او در اخذ و نقل حدیث، و این ویژگی است که در میان حدود چهل راوی از برخی افراد متهم به کذب یا افراد توثیق نشده، مانند عمرو بن شمر، قاسم بن عروه، اسماعیل بن سهل نیز روایت کرده و به روایات مرسل اعتماد ورزیده است. به دلیل همخوان نبودن عبارت نجاشی و ابن غضائری با توثیق شیخ طوسی و دیگران، در بیشتر کتب رجالی درباره وثاقت برقی بتفصیل بحث شده است (مماقانی، ج ۳، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ خوئی، ج ۳، ص ۱۴۱، ج ۱۳، ص ۱۰۸، ج ۱۴، ص ۲۶-۳۰، ج ۱۶، ص ۶۴-۶۷؛ نوری، ج ۳، ص ۵۷۴).

منابع: محمد محسن آقا بزرگ طهرانی، الذریعة الى تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ ابن ندیم، کتاب الفهرست، چاپ رضا تجدد، تهران [تاریخ مقدمه ۱۳۹۳/۱۹۷۳]؛ محمد مهدی بن مرتضی بحر العلوم، رجال السیة بحر العلوم: المعروف بالفوائد الرجالية، چاپ محمد صادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم، تهران ۱۳۶۳ ش؛ محمد تقی تستری، قاموس الرجال، تهران ۱۳۷۹-۱۳۹۱؛ ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ همو، الفهرست، چاپ محمد صادق آل بحر العلوم، نجف ۱۳۵۶/۱۹۳۷، چاپ انت قم ۱۳۵۱ ش؛ حسن بن یوسف علامه حلی، رجال العلامة الحلی، نجف ۱۳۸۱/۱۹۶۱، چاپ انت قم ۱۴۰۲؛ مرتضی فرهادی، جغرافیای تاریخی کمره، آینه، سال دهم، ش ۱۱-۱۰ (دی - بهمن ۱۳۶۳)، سال دوازدهم، ش ۱۰۹ (آذر - دی ۱۳۶۵)؛ حسن بن محمد قمی، کتاب تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، چاپ جلال الدین طهرانی، تهران ۱۳۶۱ ش؛ عنایة الله قهبانی، معجم الرجال، چاپ ضیاء الدین علامه اصفهانی، اصفهان [۱۳۲۷ ش]؛ محمد بن عمر کتبی، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف ۱۳۴۹-۱۳۵۲؛ محمد علی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، تهران ۱۳۶۹ ش؛ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، چاپ محمد محیی الدین عبد الحمید، مصر ۱۳۸۴-۱۳۸۵/۱۹۶۴-۱۹۶۵؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة المشتهر ب رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجان، قم ۱۴۰۷؛ حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل، تهران ۱۳۱۸-۱۳۲۱/۱۹۰۰-۱۹۴۰؛ یاقوت حموی، معجم الادباء، بیروت [بی تا]؛ همو،